یادداشت

مهران ابراهیمیان

جنگ اقتصادی مسئولیت‌زا است یا توجیه‌گر!

معمولاً قیمت پراید، مرغ و گوشت و نان چهار نماد قدرت خرید دهک‌های پایین جامعه است. مردم تورم و فشار بر هزینه‌های خانوار و جیب خود را با این چهار جنس به شکل عینی و ملموس می‌سنجند.

در همین دو روز گذشته هر جا که می‌نشینید و به خصوص در تاکسی‌های مسافربری صحبت درباره قیمت این کالاها مطرح است که مردم به نوعی از اخبار متعدد و وعده‌های مکرر درباره این کالاهای سبد خانوارشان شاکی هستند. این افراد با ذکر تناقض گویی‌های مکرر دولتی‌ها در انتها نتیجه می‌گیرند که «شرط موفقیت (!) این است که هرچه دولتمردان در حوزه اقتصادی می‌گویند باید بر عکس آن را عمل کرد!»

در واقع این گفتمان شکل گرفته در حوزه اقتصادی در میان مردم نشانی واضح از کاهش سرمایه‌های اجتماعی در حوزه اقتصادی است و زنگ خطری به شمار می‌رود برای عملکرد دولتی‌ها که یک روز این افزایش قیمت‌ها را انکار می‌کنند و یک روز آن را در فضای جنگ اقتصادی توجیه می‌کنند.

اگر چه نمی‌توان اثر تحریم‌ها و «جنگ اقتصادی» را منکر شد، اما دست کم در حوزه کالاهای اساسی و تولیدات داخلی که مدیران آنها و مسئولیت آنها بر عهده دولت است، نمی‌توان چنین توجیهاتی را پذیرفت.

وقتی در بودجه امسال و سال بعد بیشترین سهم و اولویت‌دارترین منابع ارزی به کالاهای اساسی تخصیص می‌یابد و در اسناد و مدارک موجود مالی به آنها اشاره شده، نمی‌توان در این‌باره دیگر جنگ اقتصادی را عاملی برای گرانی‌ها دانست، بلکه نشانی واضح از یک زیاده‌خواهی سازمان‌یافته و بی‌توجهی به نظارت بر بازارها است.

در شرایط جنگ اقتصادی وظیفه توزیع و تهیه کالاهای اساسی بار مسئولیت سنگینی است که دیگر نمی‌تواند با بهانه ترویج اقتصاد لیبرالی از دوش دولت برداشته شود.

به عبارت بهتر وقتی از واژه جنگ اقتصادی برای طرح مشکلات استفاده می‌کنیم، با توجه به بار معنایی این واژه، دیگر کارکرد توجیه‌پذیری کارها و کوتاهی مأموریت‌های محوله را نمی‌کند، بلکه دقیقاً مسئولیت‌پذیری در حیطه عملیاتی و مسئولیت‌های محوله را گوشزد می‌کند و بدیهی است که در فضای جنگی باید با کم‌کاری‌ها و خیانت‌ها به سبک دادگاه‌های صحرایی سریع و مقتدر عمل و مسئولیت‌پذیری را به همه عاملان خصوصی و دولتی گوشزد کرد.

وقتی همه مسئولان رئیس‌جمهور، وزیر امور خارجه و... از تعبیر جنگ اقتصادی استفاده می‌کنند نباید همچنان چشم به شکلات‌هایی چون اینستکس داشته باشند و به امید مذاکرات و نتایج آن از پاتک‌های سودجویان در بازارهای داخلی غافل باشند، به خصوص که به وضوع خدعه‌های مشخص در حوزه دسترسی ما به مسائل مالی کاملاً اثبات شده‌است.

یعنی نمی‌توان امید به دشمنی داشت که برای ما شمشیر را از رو بسته است و در چنین شرایطی نباید تدابیر داخلی در حوزه اقتصادی و داخل کشور را نادیده بگیریم و همچنان بر تاکتیکی که از شش سال پیش نتیجه‌ای نگرفتیم، اصرار بورزیم.

اکنون باید رئیس‌جمهور محترم به همه دستگاه‌های اجرایی یادآور شود که در جنگ اقتصادی نباید دنبال منافع گروهی و شخصی باشند، بلکه با مسئولیت‌پذیری با هر کس که کوتاهی خود را با نام جنگ اقتصادی توجیه می‌کند، با شدت هر چه بیشتر برخورد کند.

گزیده خبر

گرانی گوشت ارتباطی به قاچاق دام ندارد

سخنگوی ستاد مرکزی مبارزه با قاچاق کالا و ارز با ارائه آماری از کشفیات میزان قاچاق دام گفت: گرانی گوشت قرمز نمی‌تواند مربوط به قاچاق دام باشد و برخی آدرس غلط می‌دهند.

حمیدرضا دهقانی‌نیا در گفت‌وگو با «مهر»، در خصوص وضعیت قاچاق دام اظهار داشت: از نظر ستاد مرکزی مبارزه با قاچاق کالا و ارز، به عنوان تنها مرجع ارائه‌دهنده آمار و اطلاعات در حوزه قاچاق، اینکه می‌گویند گرانی گوشت قرمز به واسطه قاچاق دام است را نمی‌پذیریم.

سخنگوی ستاد مرکزی مبارزه با قاچاق کالا و ارز افزود: بر اساس آمار مربوط به کشفیات ظن قاچاق که ما داریم، طی ۱۰ ماه سال ۹۶ تعداد ۹۳ هزار و ۲۴۰ رأس قاچاق دام داشتیم ولی در ۱۰ ماه امسال این عدد با ۴۰/۲ درصد رشد، به ۱۳۰ هزار رأس رسیده‌است؛ بنابراین ما با یک رشد فزاینده‌ای که موجب افزایش قیمت گوشت قرمز شود، مواجه نیستیم و وزن این موضوع به آن میزانی که ادعا می‌کنند، نیست.

سخنگوی ستاد مرکزی مبارزه با قاچاق کالا و ارز در ادامه اظهار داشت: هم اکنون در فصلی هستیم که به دلیل شرایط جوی از برخی مرزها دامی نمی‌تواند رد شود. بنابراین سؤال اصلی این است که ما این میزان دام وارد کردیم و بیشتر از دام، ۲۰ درصد نسبت به ۱۲ ماهه سال ۹۶ گوشت گرم وارد کرده‌ایم؛ آیا با این تفاسیر قیمت گوشت کم شده‌است؟ خیر.

دهقانی‌نیا تأکید کرد: بنابراین اینکه برخی از افراد می‌گویند قاچاق دام باعث افزایش قیمت گوشت شده، آدرس غلط است.

اجرای الزامات FATF شرایط اقتصادی را بدتر می‌کند

معاون سابق امور زیربنایی مرکز پژوهش‌های مجلس شورای اسلامی با اشاره به اینکه همانند امریکا و چین باید از توافق پاریس خارج شویم، گفت: پیوستن به لایحه FATF شرایط اقتصادی کشور را بدتر می‌کند.

محمدرضا محمدخانی، معاون سابق امور زیربنایی مرکز پژوهش‌های مجلس شورای اسلامی در گفت‌وگو با «فارس» با اشاره به اینکه توافق پاریس بر اساس تحقیقاتی که انجام دادیم توافقی به معنای کلمه افتضاح است، گفت: پیوستن به این توافق منجر به کشیده‌شدن ترمز اقتصادی ایران می‌شود.

وی ادامه داد: ما نیز مانند امریکا باید کاملاً شفاف با این موضوع برخورد کنیم و از این توافق خارج شویم. وی تصریح کرد: امریکا و چین از این توافق خارج شدند و روسیه نیز هرگز به این توافق نخواهد پیوست و جالب اینجاست که عربستان برای پیوستن شروطی را گذاشته است که اجرایی نیست به همین دلیل من معتقدم ما نیز مانند امریکا و چین باید از این توافق خارج شویم. محمدخانی با اشاره به مباحث مربوط به FATF اظهار داشت: FATF نیز مانند برجام شرایط کشور را بر هم می‌زند، به طوری که پذیرش بی‌چون و چرای الزامات FATF از توافق پاریس نیز بدتر است.

این کارشناس حوزه انرژی خاطرنشان کرد: زمانی که برجام داشت تصویب می‌شد ما یک کار ویژه‌ای در مرکز پژوهش‌های مجلس انجام دادیم و در آنجا رسماً اعلام کردیم که برجام کشور را در سربالایی به صورت نیم‌کلاچ قرار می‌دهد که نمی‌توانیم جلو برویم و بلکه بالعکس ما را رو به عقب باز می‌گرداند؛ اما در مورد FATF می‌گویند این لایحه بسیار بدتر از برجام است. هر چند که برخی‌ها انتظار دارند ما از برجام و FATF تعریف کنیم.

وی در پایان تصریح کرد: ظاهراً برای برخی از مسئولان اصلاً آینده اقتصاد ایران و شرایط کشور مهم نیست، زیرا پیوستن به FATF می‌تواند ایران را در شرایط بدتر از این قرار دهد و ما نباید خودمان طناب دار را به گردن‌مان بیندازیم.

گزارش یک

هادی غلامحسینی

لزوم اصلاح فاصله دهک‌های درآمدی برای برقراری عدالت

درآمد مالیات از پر مصرف‌ها باید به جیب فقرا برود

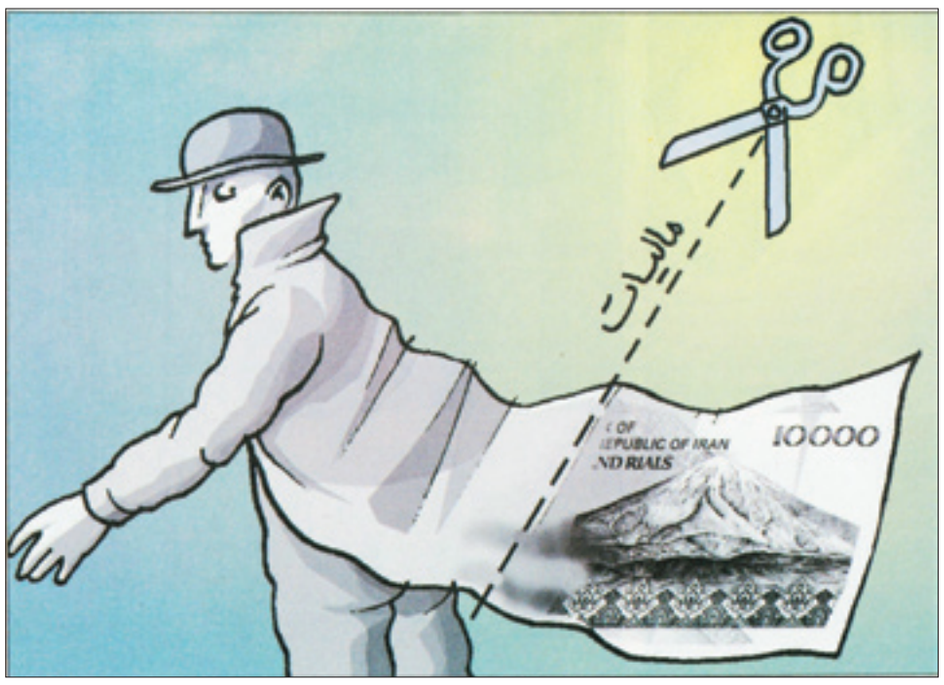

وقتی هزینه ناخالص یک‌ماه ثروتمندترین خانوار شهری (با بیش از ۱۰میلیون تومان) با هزینه یکسال فقیرترین دهک خانوار شهری برابری می‌کند، به وضوح می‌توان متوجه تکرار توزیع نابرابر امکانات و ثروت عمومی در جامعه شد و از سوی دیگر عقب‌ماندگی نظام مالیاتی هویدا می‌شود، زیرا اگر نظام مالیاتی توانایی آن را داشت که بر اساس درآمد، ثروت و مصرف اشخاص حقیقی و حقوقی مالیات اخذ کند امروز نباید بین دهک‌های موجود در جامعه در بعد درآمد، هزینه و دارایی آنقدر اختلاف وجود داشته باشد.

به گزارش «جوان»، معمولاً در طبقه‌بندی‌های اجتماعی و اقتصادی خانوار شهری و روستایی از حیث درآمد و هزینه به ۱۰ دهک تقسیم‌بندی می‌شوند و در سیاستگذاری‌ها دقت نظر انجام می‌گیرد تا فراتر از خانوار تمامی اشخاص حقیقی موجود در جامعه نیز از یک سطح درآمد مبتنی بر پوشش هزینه‌های معیشت برخوردار باشند تا به واسطه آسیب‌های ناشی از فقر و نابرابری افراد جامعه بیمار یا بزهکار نشود که اگر چنین شود هزینه‌های بخش بهداشت و درمان و دارو و قضایی جهش می‌یابد.

به اعتقاد کارشناسان اقتصادی کم‌توجهی به توزیع عادلانه امکانات، ثروت و درآمد در بین خانوارها امروز علاوه بر برهم خوردن تراز تعریف شده بین دهک‌های مختلف جامعه در بعد هزینه و درآمد، موجب شکل‌گیری چنان فاصله طبقاتی و نابرابری در جامعه شده‌است که دارایی خانوارها بسیار ناهمگون شده‌است و همین ناهمگونی و نابرابری حجم و امکان مصرف را در بین دهک‌ها برهم زده‌است.

■ ترازنامه دهک‌های پایین درآمدی افراد جامعه

به‌طور نمونه وقتی ترازنامه دهک‌های پایین درآمدی جامعه بررسی می‌شود، مشخص می‌شود که در طرف دارایی ترازنامه این افراد یا این افراد مستأجر هستند یا یک منزل مسکونی زیر ۱۰۰متر دارند یا با حمل و نقل عمومی تردد می‌کنند یا اینکه یک خودروی ارزان‌قیمت دارند و به نسبت محدودیت آنها به درآمد ناشی از انجام یک کار یا درآمد ناشی از بازنشستگی این افراد سهم اندکی از مصرف کالاهایی چون آب، برق، گاز، بنزین، گازوئیل، نفت، خوراکی و آشامیدنی (گوشت، مرغ، حبوبات، شیر، لبنیات، میوه و سبزیجات)، پوشاک، بهداشت و درمان، ارتباطات، تفریح، تحصیل، دخانیات، رستوران و هتل، کالاها و خدمات متفرقه (براساس طبقه‌بندی هزینه‌های ناخالص خانوار) دارند و در طرف راست ترازنامه افراد کم درآمد جامعه که مربوط به بدهی می‌باشد، در رأس این بدهی مالیاتی با عنوان تورم همیشه وجود دارد که هر ماه قدرت خرید این افراد را محدود می‌کند و با توجه به بدهی‌های بانکی برخی از این اشخاص مشخص می‌شود که بخشی از دارایی‌های این افراد در واقع بدهی به بانک یا صندوق قرض‌الحسنه خانگی و یا سایر استقراض‌ها است.

از این رو با توجه به تکرار توزیع نابرابری درآمد در جامعه امروز حجم دارایی افراد جامعه متفاوت است و برخی از خانوارها به دلیل محدودیت دارایی قدرت خرید و مصرف بسیار محدودی دارند، از این رو زمان آن رسیده‌است که نظام توزیع امکانات و ثروت عمومی چه به شکل کالایی و غیرکالایی در جامعه تغییر کند و جالب آنکه اشخاص حقوقی و شرکت‌ها نیز امروز سهم‌های عجیب و غریبی از ثروت نفت و گاز، انرژی و کالاهای یارانه‌ای دارند از این رو سهامداران به‌طور نمونه بنگاه‌های مربوط به حوزه پتروشیمی از ناحیه خوراک ارزان‌قیمت، فولاد به واسطه برق ارزان، سنگ آهن نیز به همین شکل از مصرف بالای کالاهای یارانه‌ای برخوردار هستند، از این رو یکی از متهمان اصلی فقر در کشور نظام مالیاتی سنتی و عقب‌مانده است که نمی‌تواند دارایی، ثروت، درآمد و مصرف اشخاص حقیقی و حقوقی را به دقت رصد کند و برای رفع فقر از پرمصرف‌ها به سود فقرا مالیات اخذ کند.

■ فاصله معنی‌دار قدرت خرید دهک‌ها

وقتی بین هزینه‌های های سالانه دهک اول (فقرا) و دهک دهم (ثروتمندترین دهک کشور) در سال ۹۶ چیزی در حدود ۱۲۰میلیون اختلاف وجود دارد، با چنین اختلافی سیاستگذاری و توزیع عادلانه امکانات عمومی در بین ۸۲میلیون ایرانی و بیش از یک میلیون و ۳۰۰هزار شرکت ثبت‌شده و کارخانجات و بنگاه‌های بزرگ و متوسط و کوچک با سهامدارهایی چون دولت، وابسته به دولت، نیمه‌دولتی، عمومی، عمومی غیر دولتی و خصوصی نیازمند تغییرات بنیادین و جدی است.

طبق اطلاعات مربوط به بررسی بودجه خانوار بانک مرکزی مربوط به مناطق شهری سال ۹۶، جمع کل هزینه ناخالص سالانه دهک اول (فقیرترین دهک) در حدود ۹میلیون تومان است و دهک دوم در حدود ۱۵میلیون تومان و دهک سوم در حدود ۱۹میلیون تومان و دهک چهارم کمتر از ۲۴میلیون تومان و دهک پنجم ۲۸میلیون تومان و دهک ششم در حدود ۳۴میلیون تومان و دهک هفتم ۴۱میلیون تومان و دهک هشتم ۵۱میلیون تومان و دهک نهم ۶۹میلیون تومان و دهک دهم (ثروتمندترین دهک) ۱۳۰میلیون تومان مشخص است که باید در اقتصاد نفتی و دولتی و عمومی ایران در سیاستگذاری اقتصادی رویکرد متفاوتی را در پیش گرفت، به ویژه آنکه فاصله دارایی، درآمدی و هزینه‌ای و بدهی دهک‌ها کار سیاستگذاری را بسیار پیچیده کرده‌است و حال آنکه در این مدت بخش سیاستگذاری عمومی به دلیل علاقه دولتی‌ها به بنگاهداری یا رها شده‌بود یا اینکه آلوده به اظهارات کارشناسانی بوده‌است که به رانت‌هایی وابستگی داشته‌اند.

■ مراقب سقوط آزاد فقرا باشیم

در همین رابطه «وحید شقاقی شهری» اقتصاددان و استادیار دانشگاه علوم اقتصادی تهران و خوارزمی تأکید دارد که هدفمندی یارانه‌ها زمانی به اهداف خود در زمینه فقرزدایی می‌رسد که یارانه نقدی ثروتمندان قطع شود و همزمان بر مصرف سوخت و انرژی مالیات تصاعدی وضع شود؛ چراکه الگوهای مصرف دهک‌های بالای درآمدی زمین تا آسمان با فقرا تفاوت دارد.

وی گفت: علاوه بر توزیع ۴۵هزار میلیارد تومان یارانه نقدی بین مردم جامعه اخیراً اظهار شده‌است که در حدود ۹۰۰ هزار میلیارد تومان یارانه پنهان در جامعه پرداخت می‌شود که عمده آن صرف حوزه انرژی می‌شود و بخش اعظم یارانه پنهان نصیب دهک‌های پردرآمد می‌شود. توجه داشته باشید که ۳۰ تا ۴۰ درصد از شهروندان، اصلاً خودرویی ندارند که بخواهند از یارانه سوخت استفاده کنند یا اینکه به خاطر کوچک‌بودن خانه‌هایشان و نداشتن لوستر، شوفاژ و شومینه از یارانه انرژی استفاده‌ای نمی‌کنند. در واقع آنکه مصرف بالا دارد بیشتر از یارانه پنهان بهره‌مند می‌شود. برداشت من این است که نظام یارانه‌ای در خدمت دهک‌های پردرآمد جامعه است.

وی افزود: سیاست‌های فعلی سیاست‌های مخربی هستند که همین امروز باید آنها را در مسیر غلطی که سیر می‌کند، متوقف کرد تا کارکردشان برعکس شود. یارانه باید برای دهک‌های کم درآمد باشد نه پردرآمد. در اقتصاد ما، یارانه را در خدمت دهک‌های پردرآمد می‌بینند. ما خانوارهایی را می‌بینیم که هر یک از اعضای آنها یک خودرو دارند. خانوارهایی را داریم که خانه‌های بزرگ دارند و با انرژی تقریباً مجانی آنها را گرم نگه می‌دارند.

وی افزود: بنگاه‌های تولیدی وجود دارد که به شدت انرژی مصرف می‌کنند و بازدهی اقتصادی ندارند. بخش عمده یارانه پنهان را اینها مصرف می‌کنند. این نظام یارانه‌ای اگر اصلاح نشود، موجب افزایش مداوم شکاف طبقاتی در جامعه می‌شود.

همانطور که گفتم، تکرار می‌کنم بهترین شیوه اخذ مالیات تصاعدی بر مصرف انرژی و سوخت است. هر کسی که سوخت و انرژی بیشتری مصرف می‌کند باید یارانه بیشتری بپردازد.

باید تلاش شود که سطح فعلی معیشت خانوارهای کم‌درآمد حفظ شود؛ چراکه «سقوط آزاد» آنها در چنین شرایطی، بسیار خطرناک است.

در شرایط فعلی دهک‌های کم‌درآمد و متوسط باید کمترین آسیب را ببینند و بالعکس یارانه‌ها باید به گونه‌ای تنظیم شود که دهک‌های کم‌درآمد بهره‌مند شوند.

یادداشت ۲

وحید حاجی‌پور

مقصران دیروز، مطالبه گران امروز!

مدیرعامل شرکت ملی پالایش و پخش در جدیدترین اظهارنظر خود، مصرف بنزین را نوعی خطر برای اقتصاد کشور بر شمرده و گفته است با این روند مصرفی نمی‌توان به صادرات بنزین اندیشید. روند مصرف بنزین طی دو سال گذشته افزایش داشته‌است. مهم‌ترین عوامل افزایش مصرف بنزین در کشور، عدم اصلاح قیمتی این حامل انرژی و رهاسازی مصرف بوده‌است.

در بخش نخست، دولت سعی داشت افزایش قیمت بنزین را به زمین مجلس بیندازد که بهارستان زیر بار این برنامه نرفت؛ در حالی که دولت طی سال‌های گذشته و بر اساس قانون می‌توانست بهای بنزین را واقعی کند، اما به دلیل نیاز به پیروزی در انتخابات دوازدهم ریاست جمهوری، از اجرای قانون امتناع کرد تا پایگاه رأی خود را تضعیف نکند. دولتی‌ها چه به صورت مستقیم و چه غیرمستقیم، قیمت پایین بنزین را عامل افزایش مصرف و قاچاق می‌دانند، ولی به گونه‌ای چنین بحثی را مطرح می‌کنند که نهادی جز دولت مسئولیت قیمت‌گذاری بنزین را بر عهده دارد. اگر انتقادی نسبت به عدم صعود بهای بنزین وجود دارد، مخاطب نخست آن خود دولت است که طی چند سال گذشته با ثابت نگهداشتن قیمت، راه سختی را برای خود ایجاد کرد و دیگر به راحتی نمی‌تواند به اصلاح قیمت مشغول باشد. به بیان ساده‌تر، مقصر نخست عدم اصلاح قیمت خود دولت است که نخواست به سمت واقعی شدن بهای بنزین حرکت کند، آن‌هم با انگیزه‌های سیاسی و ماندن در قدرت لذا بهتر است به‌جای اشاره به اینکه مصرف بنزین روندی خطرناک دارد، دولت را نشانه قرار داده و از آن بازخواست شود که چرا برخلاف قانون هدفمندی یارانه‌ها، تصمیم‌گیری کرده‌است.

درباره اینکه بهای بنزین باید افزایش یابد یا ثابت بماند، سخنی نمی‌گوییم، بلکه به این مسئله می‌پردازیم که دولت دوازدهم به‌جای آنکه به لزوم افزایش قیمت این حامل بپردازد، به این سؤال پاسخ دهد که چرا و بر اساس چه اهدافی قیمت بنزین را تثبیت کرده و حاضر به افزایش بهای آن طی چند سال اخیر نبوده‌است. از سوی دیگر، دولت و وزارت نفت با رهاسازی مصرف بنزین و حذف مکانیزم‌های کنترل مصرف سوخت، درآمدهای بیشتری را نسبت به گذشته کسب کرد و در این میان، با افزایش واردات بنزین و رسیدن به رقم ۱۵ میلیون لیتر، واردکنندگان و دلالان منتفع بزرگی شدند از هرج و مرجی که در بازار مصرف سوخت حاکم شده‌بود. حذف کارت سوخت یکی از بزرگ‌ترین موانع این کار بود که با یکدندگی وزارت نفت از سر راه برداشته شد. نمی‌توان فراموش کرد روزهایی را که وزیر نفت ابتدا از کارت سوخت حمایت می‌کرد و اندکی بعد آن را مخل آسایش مردم دانست؛ با تک‌نرخی کردن بنزین به بهانه مبارزه با فساد، افسار مصرف رها شد، به‌طوری که رهبر انقلاب در دیدار اخیر خود با اعضای هیئت دولت، از رئیس‌جمهور خواستند برای کنترل مصرف برنامه‌ای را اجرا کنند. دولت هم سراغ احیای کارت سوخت رفت و با فراخوان‌های پی در پی، از مردم خواست کارت سوخت دریافت کنند. این شلختگی و بی‌برنامگی وزارت نفت، هنوز هم به قوت خود باقی است، اما معاون وزیر نفت به درستی از افزایش مصرف بنزین هشدار می‌دهد؛ هشدارهایی که پیشتر توسط منتقدان مطرح شده‌بود، ولی به آن برچسب سیاسی خورد و امروز که وضعیت بغرنج است، بنزین دو نرخی و اصلاح بهای سوخت در دستور کار قرار گرفته است. راهکارهایی که یکی را وزارت نفت از بین برد و دیگری را دولت به بایگانی فرستاد. عدم تصمیم‌گیری دولت در راستای تأمین منافع مردم و تخریب ابزار کنترل مصرف به‌وجودآورنده شرایط فعلی است، اما در کمال تعجب، کسانی که باید به عملکرد خود پاسخ دهند، در موضع مطالبه‌گر ظهور می‌کنند.

خبر

کاهش ۱۲ هزار میلیارد تومانی بدهی بانک‌ها

یک مقام آگاه در نظام بانکی با اشاره به کاهش ۱۲ هزار میلیارد تومانی حجم بدهی بانک‌های خصوصی به بانک مرکزی در ماه‌های آبان و آذر ۹۷ گفت: این کاهش بدهی بانک‌های خصوصی، بیشتر متعلق به یکی از بانک‌های خصوصی است.

به گزارش «فارس»، حجم مانده بدهی بانک‌های غیردولتی و خصوصی به بانک مرکزی از ۱۰۹ هزار و ۷۴۰ میلیارد تومان در مهر به ۱۰۵ هزار میلیارد تومان در آبان و ۹۷ هزار و ۳۱۰ میلیارد تومان در پایان آذر ماه رسید. این کاهش بدهی اتفاقی مثبت و نشانه‌ای امیدوارکننده از اصلاح وضعیت اضافه برداشت بانک‌های خصوصی از بانک مرکزی است؛ چراکه در طول چهار سال گذشته همواره این روند صعودی بود و مدام بدهی روی بدهی می‌آمد و پایه پولی و نقدینگی از این محل رشد زیادی پیدا کرد. اما یک مقام آگاه در این باره گفت: این کاهش بدهی بانک‌های خصوصی، بیشتر متعلق به یکی از بانک‌های خصوصی است و بدهی سایر بانک‌ها به بانک مرکزی در این مدت کاهش چندانی نداشته‌است.

وی افزود: بانک مذکور حدود ۱۳ هزار میلیارد تومان از بانک مرکزی اضافه برداشت کرده بود که بعد از تأکید رئیس کل بانک مرکزی به مدیرعامل این بانک برای تسویه بدهی‌ها، همه بدهی بانک را با بانک مرکزی تسویه کرد و هم‌اکنون بدهی این بانک صفر شده‌است.

انرژی

وزارت نفت از پس درخواست وزارت راه بر می‌آید؟

با توجه به اینکه تمامی کشتی‌های دنیا از سال ۲۰۲۰ میلادی مکلفند از سوخت کم سولفور استفاده کنند و ناوگان ایرانی نیازمند ۱/۴ میلیون تن هستند، وزارت نفت باید از هم اکنون در این رابطه چاره‌اندیشی کند، مسئله‌ای که رایزنی وزارت راه و شهرسازی با این وزارتخانه را به دلیل نگرانی‌های موجود در این رابطه به دنبال داشته‌است.

به گزارش «ایسنا»، تأمین نیاز ۱/۴ میلیون تنی کشتی‌های ایرانی به وزارت نفت اعلام شده‌است و این وزارتخانه باید نیاز مربوطه را تا زمان تعیین‌شده فراهم کند؛ موضوعی که نگرانی‌های متفاوتی را جهت تردد کشتی‌های ایرانی به وجود آورده و هنوز پاسخ روشنی در این رابطه از سوی وزارت نفت اعلام نشده‌است و باید منتظر ماند و دید آیا نیاز شناورهای ایرانی جهت تأمین سوخت کم سولفور از سال ۲۰۲۰ تأمین می‌شود؟

محمد اسلامی، وزیر راه و شهرسازی به تازگی و در ارتباط با سؤالی مبنی بر عدم همکاری وزارت نفت به منظور تأمین سوخت کم سولفور شناورها تصریح کرد که در این رابطه به منظور اصلاحیه‌ای که در جهت میزان سولفور سوخت شناورها وجود دارد، با وزارت نفت رایزنی خواهد شد و وزارت راه و شهرسازی این موضوع را پیگیری خواهد کرد.

چند سالی است سازمان جهانی دریانوردی به دنبال کاهش میزان سولفور سوخت سنگین بوده که در حال حاضر ۳/۵ درصد است، اما هدفگذاری صورت گرفته دستیابی به میزان ۰/۵ درصدی سولفور سوخت شناورها خواهد بود. این موضوع برای کاهش آلودگی ایجاد شده توسط ناوگان دریایی جهان است و بر اساس تصمیم اتخاذ شده تمامی کشتی‌های دنیا از سال ۲۰۲۰ مکلف هستند که از سوخت سنگین با سولفور ۰/۵ درصد استفاده کنند.

در حال حاضر بخشی از پالایشگاه‌های اروپایی امروزه توانایی تولید این سوخت را دارند و طی دو سال گذشته از سوی سازمان بنادر و دریانوردی به عنوان زیرمجموعه وزارت راه و شهرسازی از وزارت نفت درخواست شده تا حداقل نیاز کشتی‌های ایرانی را که شامل شناورهای اقیانوس‌پیما بوده و ۲۰۰ فروند می‌شود و میزان آن ۱/۳ تا ۱/۴ میلیون تن است، تأمین کند.

دو راهکار در این زمینه وجود دارد؛ ابتدا اینکه کشتی‌ها دستگاه‌هایی به عنوان اسکرابر نصب کنند که می‌تواند سوخت‌ها را تبدیل به سوخت کم سولفور کند و راهکار دوم نیز این است که به جای نفت کوره از نفت‌گاز استفاده کنند که خوشبختانه وزارت نفت توانایی تولید سوخت نفت و گاز کم سولفور را دارد و باید دید که میزان سوخت کم سولفور شناورهای ایرانی تا زمان تعیین شده توسط این وزارتخانه تأمین خواهد شد یا خیر؟

آگهی مزایده عمومی یک مرحله‌ای

شرکت توسعه منابع انرژی توان

نوبت اول / م‌الف: ۴۳۲۷ — شماره مزایده ۹۷۹۶۹

گروه صنعتی شهید عارفی وابسته به شرکت توسعه منابع انرژی توان در نظر دارد اقلام مشروحه درجدول ذیل را از طریق مزایده عمومی به فروش رساند.

ردیف	شرح کالا	تعداد	ردیف	شرح کالا	تعداد	ردیف	شرح کالا	تعداد
۱	جاروبرقی صنعتی	۴ دستگاه	۱۲	سه راهی تخلیه کن آسیاب	۲	۲۳	مخزن ساخت مواد اکتیو	۲
۲	هواکش صنعتی	۳	۱۳	کوره عملیات حرارتی	۱	۲۴	دستگاه شبکه زنی ترکیه	۸
۳	باسکول یک تنی	۱	۱۴	کوره‌میلتینگ(اسقاط)	۲	۲۵	کوره خشک کن آکوما ایتالیا	۱
۴	ماشین خمیر مالی	۱	۱۵	فیلتر هوا	۲	۲۶	آسیاب بارمیل با موتورگریبکس	۵
۵	دستگاه پاکت سازی	۲	۱۶	ماشین شبکه زنی آلمانی	۱۱	۲۷	مخزن ذخیره اسید و اب مقطر	۴
۶	اره لنگ	۱	۱۷	تابلو برق آسیاب بارمیل	۵	۲۸	تابلو برق ماشین شبکه زنی	۴
۷	قیف خمیر مالی	۳	۱۸	مخزن اکسید میکسر	۴	۲۹	میکسر ساخت خمیر	۴
۸	دستگاه تست باتری	۱	۱۹	فیلتر آسیاب بارمیل	۸	۳۰	جمع کن صفحات به همراه هود	۲
۹	قدیمی COS دستگاه	۲	۲۰	ITAS کوره دو منظوره	۴	۳۱	کوره خشک کن آمریکایی	۱
۱۰	دستگاه صفحه تراش	۱	۲۱	تونل شستشو (بدنه استیل)	۱	۳۲	کوره دومنظوره فرماسیون	۳
۱۱	COS دستگاه	۶	۲۲	دستگاه پرداخت	۴			

لذا از کلیه افراد حقیقی و حقوقی دعوت به عمل می‌آید حداکثر تا تاریخ ۱۳۹۷/۱۲/۰۹ جهت دریافت اسناد مزایده به نشانی: تهران، میدان بسیج، خیابان خاوران، بعد از میدان گل امام رضا (ع)، جنب کارخانه سیمان تهران، گروه صنعتی شهید عارفی (ذوب فلزات فجر)، مدیریت بازرگانی مراجعه نمایند. (تلفن ۳۳۴۲۱۱۹۸ - ۰۲۱)

۱. مزایده گزار در رد یا قبول پیشنهادات مختار می‌باشد.
۲. هزینه نشر آگهی به عهده برنده مزایده خواهد بود.
۳. واریز مبلغ -/۲۰۰,۰۰۰ ریال جهت دریافت اسناد شرکت در مزایده به حساب جاری شماره ۱۲۹۱۸۰۰۰۳۶۲۰۶ بانک سپه ذوب فلزات غنی آباد تهران کد ۱۲۹۱ (یا از طریق دستگاه کارتخوان) بنام شرکت توسعه منابع انرژی توان و ارائه معرفی نامه الزامی می‌باشد.
۴. سپرده تضمین شرکت در مزایده، به صورت ضمانت نامه بانکی قابل تمدید ۶ ماهه و بدون قید و شرط یا چک بانکی در وجه شرکت توسعه منابع انرژی توان - گروه صنعتی شهید عارفی می‌باشد.
۵. آخرین مهلت ارسال پاکات تا تاریخ ۱۳۹۷/۱۲/۱۶ می‌باشد.
۶. سایر اطلاعات و جزئیات مربوط به مزایده فوق، در اسناد مزایده مندرج می‌باشد.